



Geographic Notion
Vol.5. Spring 2009
Zanjan University
No. 35

اندیشه جغرافیایی
سال سوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۸۸
دانشگاه زنجان
مقاله شماره ۳۵

بررسی تفاوت‌های درون منطقه ای به لحاظ شاخص های توسعه یافتگی (نمونه موردی منطقه شمال غرب کشور)

محمود امیری یزدانی، محمد سلطانپور اندریان، حجت محمدی ترکمانی^۳

چکیده

بررسی نابرابری و وجوه آن در محدوده های جغرافیایی مختلف در سالهای اخیر مورد توجه شدید برنامه ریزان و سیاستمداران قرار گرفته است. وجود نابرابری و ابعاد مختلف آن، از نشانه های مهم توسعه نیافتگی است زیرا در حقیقت کشورهایی که امروزه به عنوان کشورهای توسعه یافته شناخته می شوند ضمن اینکه از شاخصهای اقتصادی و اجتماعی بالا برخوردار هستند، توزیع درآمدها و امکانات نیز در آن جوامع نسبتاً عادلانه است. اما در کشورهای توسعه نیافته هم مقادیر این شاخصها پایین و هم توزیع آن بسیار ناعادلانه است. نابرابریهای ناحیه ای برای ایران یک ویژگی محسوب می شود و پس از کشور برزیل مقام دوم را در جهان دارا می باشد. آنچه که بعنوان مسأله در این تحقیق مطرح است، نابرابر بودن میزان توسعه در میان شهرستانهای منطقه آذربایجان می باشد. این تحقیق برآنست تا با استفاده از روشهای سطح بندی و طبقه بندی توسعه یافتگی به تقسیم بندی شهرستانهای منطقه مورد نظر استانهای آذربایجان شرقی و غربی واردبیل از نظر

عضو هیئت علمی دانشگاه زنجان

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز

mohamadi.h69@gmail.com . دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان^۳

شاخصهای انتخابی توسعه بردارد. نتایج نشان می دهد که شهرستان هایی که متعلق به استان آذربایجان شرقی می باشند از سطح توسعه یافتگی بالایی نسبت به دو استان دیگر برخوردارند، همچنین شهرستان های استان آذربایجان غربی نسبت به استان اربیل از سطح توسعه یافتگی بهتری برخوردار هستند. پس می توان به این نتیجه رسید که سیاست های جغرافیایی و همچنین وجود قطب های قوی در استان در بالا بردن سطح توسعه سایر شهرستان ها می تواند، تأثیر گذار باشد.

واژگان کلیدی: توسعه، نابرابری، شاخصهای اقتصادی، اجتماعی، منطقه شمالغرب.

مقدمه

۱-۱ طرح مساله

اصل مسئله از اینجا شروع می شود که مشاهدات نشان می دهند که در همه ی کشورهای جهان رشد و توسعه ناموزون است. یعنی در همه ی کشورها اعم از پیشرفته و عقب مانده مناطقی وجود دارند که از رشد و توسعه ی کمتری نسبت به سایر مناطق برخوردارند و مردم این مناطق به دلایلی که خارج از کنترل آنها بوده، سطح رفاه کمتری نسبت به بقیه دارند. یکی از مباحث عمده و اساسی برنامه ریزی جامع، مساله توسعه موزون است که می تواند در قالب توسعه متعادل بخشها و یا مناطق مطرح شود. توجه به همگن سازی مناطق از دیدگاه بر خورنداری از امکانات، تسهیلات و سایر شاخصهای اقتصادی و اجتماعی، موضوعی است که میتواند در راه نیل به اهداف کمی و کیفی، برنامه کلان تخصیص منابع را تحت تاثیر قرار داده، چارچوب سیاستگذاری منطقه ای را سازماندهی نماید (زالی، ۷۹). آنچه که بعنوان مسأله در این تحقیق مطرح است، نابرابر بودن میزان توسعه در میان شهرستانهای منطقه آذربایجان می باشد. این امر نتیجه عوامل گوناگونی است که در درجه اول در کشور ما بیشتر ویژگیهای طبیعی باعث ایجاد این نابرابری شده که امری طبیعی بوده و از حیطة کنترل بشر تا حدود زیادی خارج است که با پیشرفت تکنولوژیکی اهمیت این موضوع کاهش می یابد. اما در وهله دوم عدم برنامه ریزیهای صحیح و اصولی منطقه ای با سرلوحه قرار دادن عدالت بین و درون منطقه ای البته با تاکید بر روی منابع و امکانات بالقوه موجود در مناطق همچنین سرمایه گذارهای اقتصادی صحیح از نظر توزیع مناسب باعث ایجاد این

نابرابریها شده؛ این امر اثرات ناگوار بسیاری را به دنبال دارد. همانگونه که در بالا توضیح داده شد یکی از آنها، تراکم جمعیت در محدودی از شهرستانهاست که باعث ایجاد مشکلاتی از آن جمله حاشیه نشینی، کمبود اشتغال و... دارد. از طرف دیگر باعث خالی شدن بسیاری از روستاها در مناطق محروم شده که این امر زیانهای جبران ناپذیری را در استفاده از تمام ظرفیتهای و استعدادهای منطقه در بر دارد.

۱-۲- اهمیت تحقیق

اگر فلسفه وجودی و ضرورت برنامه ریزی های ناحیه ای بطور دقیق بررسی شود؛ مشخص می شود که توجه به نابرابری ها اصلی ترین و مهمترین موضوع است. به تعبیر ورهان وظیفه اصلی برنامه ریزی ناحیه ای ایجاد شرایطی است که در آن مقتضیات مختلف هم نواحی، در قالب راه حلی متعادل، که کلیه مصالح لازمه را نیز در بر دارد، ملحوظ شده باشد (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۲۲).

سیاست های توسعه دهه های گذشته در سطح کشور بازتاب خاص فضایی و کالبدی را به همراه داشته است. از جمله آنها می توان به رشد شهرنشینی و شهرنشین شدن کشور، تمرکز امکانات و خدمات در شهرها اشاره نمود. پیامد چنین تحولاتی در شکل قطبی شدن فضای ملی، رشد بیش از حد چند شهر بزرگ و تخلیه روستاها و شهرهای کوچک و به تبع آن نابسامانی در جابجایی جمعیت و مهاجرت های بی رویه از روستا به شهر نمود یافته است که از بزرگترین دغدغه های برنامه ریزی منطقه ای بشمار می آید (مهدیون، ۸۲).

برنامه ریزی منطقه ای با نگرش فضایی به ساختار درونی و بیرونی و بین مناطق، راهبردها و راهکارهای توسعه پایدار برای ارتقاء کیفیت زندگی مردم و تعدیل اختلاف سطح و نابرابری هادر ابعاد مختلف را فراهم می سازد. یکی دیگر از دلایل اهمیت پژوهش در این مورد این است که اکثر پژوهش هایی که قبل از سال ۸۵ در این مورد صورت گرفته با مشکل عدم تطابق مرزهای سیاسی است که مطابق آن یا به بازسازی جمعیت پرداخته شده و یا تعدادی از واحدهای آماری در یکدیگر ادغام شده اند. این

مسئله از دقت پژوهش کاسته چرا که وضع تعدادی از شهرستان ها را که بعد از سرشماری ۷۵ مستقل شده اند، مشخص نکرده است. پژوهش حاضر از این نقایص مستثنی خواهد بود. در ضمن مسئله مهم دیگر در این زمینه بی توجهی به اصل مهم منطقه در اکثر پژوهش هایی است که در این زمینه صورت گرفته است و مفاهیم و نظریه های توسعه منطقه ای در قالب تقسیمات استانی در نظر گرفته شده است که در کشور ما تقسیمات سیاسی با مفاهیم جغرافیایی مطابقت ندارند.

۳-۱- سوال اصلی:

- تفاوت های منطقه ای در شمال غرب کشور از نظر شاخص های توسعه و الگوی مناسب برای کاهش تفاوت های منطقه ای چگونه است؟

سوالات ویژه (فرعی):

- آیا منطقه شمال غرب کشور با عدم تعادل از نظر شاخص های توسعه یافتگی مواجه است؟

- آیا میان جمعیت شهرنشین و توسعه یافتگی ارتباط وجود دارد؟

۴-۱- فرضیه ها

- به نظر می رسد که منطقه شمال غرب کشور با عدم تعادل از نظر شاخص های توسعه یافتگی مواجه است.

- به نظر می رسد که میان جمعیت شهرنشین و توسعه یافتگی ارتباط وجود دارد و هر کدام از شهرستانها که جمعیت شهرنشین بیشتری دارند توسعه یافته ترند.

۵-۱- اهداف پژوهش

هر پژوهشی برای دستیابی به اهداف خاص صورت می پذیرد، این اهداف خود را در قالب مسأله تحقیق نمودار می سازد و از طریق آن بیان می شود.

اهداف مدنظر در این تحقیق شامل دو هدف اصلی و فرعی میباشند؛

هدف اصلی:

بررسی تفاوت‌های منطقه ای در شمال غرب کشور از نظر شاخص های توسعه با روشهای سطح بندی و نشان دادن الگوی مناسب برای کاهش آن.

اهداف فرعی:

- نشان دادن محرومترین و برخوردارترین شهرستان های منطقه و وجوه (بهداشتی، زیربنایی و...) آن. البته در این تحقیق علل عقب ماندگی و توسعه نیافتگی شهرستانها مورد بررسی قرار نگرفته و فقط به نشان دادن میزان توسعه یافتگی آنها با توجه به آمارهای موجود پرداخته شده است.

- بررسی انواع روشهایی که به توسعه متعادل منطقه ای می انجامد و در رفع انباشتگی و عدم تعادل می تواند نقش داشته باشد.

- نشان دادن وضعیت و رتبه شهرستانها از نظر انواع شاخص های توسعه در سطح هر استان و سپس منطقه و تلفیق آنها در رسیدن به نقشه توسعه منطقه که نشان دهنده تعادل و یا عدم تعادل می باشد.

۱-۶- پیشنهاد تحقیق

بررسی پیشنهاد تحقیق اگر بدرستی صورت گیرد به بیان مسئله کمک می کند و یافته های تحقیق را به پژوهش های قبلی متصل می سازد و مقاصدی همچون تعریف و تحدید مسئله و اجتناب از دوباره کاری را برآورده می کند. (سرمد و دیگران، ۱۳۸۲: ص ۵۵)

__ کلاتری (۱۹۹۸) در مقاله ای با عنوان « Identification of backward region in Iran » با تأکید بر وجود نابرابریهای شدید منطقه ای، با استفاده از ۱۷ شاخص توسعه اجتماعی- اقتصادی و با بکارگیری روش محاسبه ضریب محرومیت، از مجموع ۱۹۵ شهرستان تحت مطالعه، ۳۴ شهرستان را بصورت شهرستانهای عقب مانده و ۵۳ شهرستان را بعنوان شهرستانهای نسبتاً عقب مانده مورد شناسایی قرار می دهد. محقق از این مطالعه نتیجه می گیرد که الگوی فضایی حاکم بر محدوده مورد مطالعه، حاکی از

وجود الگوی مرکز و پیرامون در توسعه منطقه ای است بطوریکه کلیه شهرستانهای عقب مانده در نواحی حاشیه ای، مرزی و در مناطق سخت کوهستانی واقع شده اند. _ کارشناسان سازمان برنامه و بودجه نیز در سال ۱۳۵۶ و با استفاده از ۵۵ شاخص در سه بخش اقتصادی - اجتماعی و سیاسی، درجه توسعه استانهای کشور را با استفاده از روش تحلیل تا کسونومی عددی محاسبه کرده و به نتایجی در رتبه بندی میزان توسعه استانها رسیده اند. در این مطالعه ۶۱ شاخص اقتصادی - اجتماعی و سیاسی استفاده شده است.

_ زالی (۱۳۷۹) در پایان نامه خود به سطح بندی استان آذربایجان شرقی بر اساس روش ممیزی پرداخته است وی شاخص ها را در سه زمینه زیربنایی، اجتماعی و خدماتی در نظر گرفته است. البته با همه دقتی که در انتخاب روش و شاخص ها صورت گرفته باز همان مشکلات ذکر شده در اکثر پژوهش ها در این مورد نیز وجود دارد و آن عدم استفاده از منطقه بجای استان و عدم وجود بعضی از شهرستان ها که بعد از ۱۳۷۵ مستقل شده اند.

_ آقا یاری هیر (۱۳۸۲) در تحقیقی با عنوان سطح بندی پایداری توسعه روستاهای بخش هیر با استفاده از GIS، با استفاده از نظام اطلاعات جغرافیایی به تحلیل و سطح بندی توسعه پایدار روستایی پرداخته است. برای تحقق این امر از شاخص سازی براساس خصوصیات نظام های پایدار در قالب ماتریس اندام وار توسعه پایدار و با در نظر گرفتن ۸۵ شاخص به ارزیابی و سطح بندی پایداری توسعه روستاهای بخش هیر اقدام شده است. نتایج تحقیق حاکی از وضعیت نامطلوب پایداری در منطقه مورد مطالعه است.

_ تقوایی و همکاران (۱۳۸۵) در مقاله ی بررسی شاخص های توسعه در مناطق روستایی استانهای کشور با استفاده از روش اسکالوگرام با استفاده از ۶۷ شاخص توسعه در بخشهای مختلف و تعیین سهم هر یک از این شاخص ها در توسعه یافتگی آنها به

تعیین میزان توسعه یافتگی آنها پرداخته شده است و از این طریق اولویت های برنامه ریزی آتی را مشخص کرده اند.

— جوکار (۱۳۸۶) نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقه ای (نمونه موردی شهر فیروزآباد استان فارس) مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش به بررسی تحولات شهر فیروزآباد و نیز تعیین نقش و جایگاه شهر فیروزآباد در سطح محلی و منطقه (فارس) پرداخته شده است. همچنین به نقشی که شهرهای کوچک در توسعه منطقه ای و خدمات رسانی به روستاها می توانند بر عهده بگیرند و تعادل منطقه ای را بوجود آورند اشاره شده است.

— توسلیان (۱۳۷۹) به بررسی کارکرد شهر قیدار در توسعه منطقه ای پرداخته است. در این پژوهش نیز مانند مورد قبل به نقش و اهمیت نقاط شهری در توسعه منطقه ای پرداخته شده است.

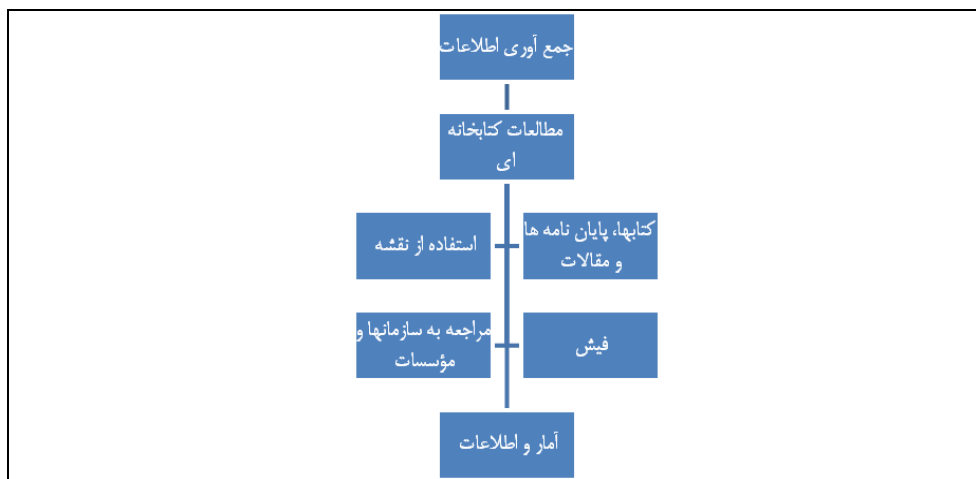
— فلاح نژاد (۱۳۷۵) نظم پذیری سلسله مراتب سکونتگاهی در راستای توسعه ناحیه ای در شهرستان خرم آباد (مورد بخش پاپی) مورد مطالعه قرار داده است. در این بررسی سعی شده تا با مطالعه سیستماتیک، مسائل و مشکلات سکونتگاههای محدوده مورد بررسی شناخته شده و سپس در راستای توسعه ناحیه ای، سکونتگاهها دارای یک نظم سلسله مراتبی با سطوح مشخص گردند که هر کدام از سکونتگاهها خدمات و امکانات لازم را جهت ساکنین منطقه ارائه نمایند.

۱-۷- روش تحقیق

نوع کار تحقیق که در این پژوهش از آن استفاده خواهد شد کاربردی - نظری است و از روشهای میدانی و کتابخانه ای در آن استفاده شده است. در این مطالعه از روشهای سطح بندی و طبقه بندی توسعه یافتگی استفاده خواهد شد که روش یا روشهای مناسب از بین آنها انتخاب و نتایج حاصل از آنها با هم مورد مقایسه قرار گرفته و در نهایت تقسیم بندی نهایی منطقه از نظر توسعه مشخص خواهد شد.

– روش گردآوری اطلاعات

برای جمع آوری اطلاعات از موارد زیر بهره گرفته شده است:



شکل ۱: شماتیک کلی روش گردآوری اطلاعات

۸-۱- محدوده زمانی و مکانی تحقیق

محدوده زمانی: اساساً این تحقیق با استفاده از آمارنامه رسمی سال ۱۳۸۵ به سطح بندی و تبیین تفاوت‌های درون منطقه ای خواهد پرداخت.

محدوده مکانی: با بررسی منطقه بندی های برنامه ریزی که در ایران صورت گرفته منطقه شمالغرب کشور شامل سه استان؛ آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل انتخاب شد. از آنجایی که منطقه آذربایجان محدوده ای بسیار وسیع تر از منطقه شمالغرب کشور است و تناسبی با مرزهای اداری استانها ندارد؛ به همین دلیل نامیدن منطقه شمالغرب کشور بنام آذربایجان ممکن بود ایجاد سوءتعبیر گردد لذا در کلیه مراحل این تحقیق منظور از منطقه شمال غرب کشور همان سه استان می باشد.

۹-۱- داده ها و شاخص ها

شاخص های مورد استفاده در این تحقیق بر اساس مطالعات طرح های مشابه و طرح های فرادستی انجام گرفته برای منطقه آذربایجان انتخاب شده اند. ابتدا کل شاخص هایی که می توانست در تحقیق حاضر استفاده شود، انتخاب شده است، در مرحله بعد شاخص هایی که بیشتر عملکرد و توسعه یافتگی یک شهرستان را نشان می دادند، انتخاب شدند، سپس داده های لازم برای شاخص ها جمع آوری شد و شاخص هایی که اطلاعات لازم برای آن وجود نداشت یا سازمان ها همکاری نکردند حذف شد و از بین آنها، شاخص های جدول ۱ در مشخص کردن عملکرد شهرهای منطقه آذربایجان مورد استفاده قرار گرفتند.

۱-۹-۱- روش تحلیل داده ها

بعد از اینکه شاخص ها همگن شدند، ابتدا برای شناخت کلی وضع موجود، شهرستان های منطقه از لحاظ توسعه یافتگی سطح بندی گردید. برای سطح بندی شاخص ها می توان از مدل ها و روش های مختلفی استفاده کرد. مدل های انتخاب شده برای این تحقیق، تحلیل عاملی، تحلیل تشخیصی و تحلیل خوشه ای بوده است و همچنین از امتیاز استاندارد نیز برای سطح بندی شهرستان ها استفاده شده است.

۲- مفاهیم، مبانی و رویکردها

۲-۱- تعاریف و مفاهیم

توسعه: مفهوم توسعه در کانون نظام معنایی قرار دارد که از قدرت شگفت انگیزی برخوردار است. در نظام فکری نوین هیچ مفهوم دیگری این قدر روی اندیشه و رفتار افراد تاثیر نگذاشته است. به طور معمول، توسعه به معنای فرایندی است که طی آن قابلیتها یا تواناییهای بالقوه یک شی یا موجود زنده تحقق یافته و آن شی یا موجود زنده به حالت طبیعی و کامل خود درآید براساس همین مفهوم است که این واژه به گونه ای

استعاری یا مجازی برای اشاره بر رشد طبیعی گیاهان و حیوانات به کار می رود. بین سالهای ۱۷۵۹ (وولف) و ۱۸۵۹ (داروین) بود که معنای توسعه از دگرگونی به سوی حالتی مناسب، به دگرگونی به سوی حالتی کاملتر تغییر یافت. در این مدت دانشمندان کم کم دو واژه توسعه و تکامل را به جای هم بکار بردند. انتقال این استعاره زیست شناختی به حوزه علوم اجتماعی در ربع آخر قرن ۱۸ رخ داد یوستوس موزر (Justusmoser) از سال ۱۷۶۸ واژه توسعه را برای اشاره به فرآیند تحول تدریجی جامعه به کار برد. او تحولات سیاسی را تقریباً به شکل فرایندهای طبیعی توصیف می کرد. در حوالی سال ۱۸۰۰، فعل توسعه یافتن کم کم به فعل انعکاسی تبدیل شد و مفهوم توسعه یابندگی رواج یافت. توسعه به مقوله مرکزی آثار مارکس تبدیل شد: توسعه چونان فرایندی تاریخی که با همان ضرورت قوانین طبیعی به پیش می رفت. در واقع مفهوم توسعه طی چند دهه گذشته از انحصار دیدگاههای رشد اقتصادی خارج شده و دیدگاههای عدالت اجتماعی، خود اتکایی و تعادل های بوم شناسانه با مفهوم نوین توسعه پیوند یافته است. (زیاری، ۱۳۸۳: ۱۳)

منطقه: واژه منطقه در مفاهیم گوناگون با محدوده های متفاوت بوسیله کارشناسان با تخصص های مختلف مورد استفاده قرار می گیرد. مثلاً جغرافیدانان، اقتصاددانان و... هر کدام تعریف خاصی را ارائه می دهند که براساس معیارهای در نظر گرفته شده توسط تعریف کننده متفاوت خواهد بود. «والتر ایزارد» در تعریف منطقه چنین می گوید: «هر تعریف از منطقه یا شهر بستگی به مسئله خاصی دارد که ما با آن سروکار داریم.» (ایزارد و والتر، روشهای تحلیل منطقه ای، مترجم داریوش کاظم زاده صمیمی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، (جلدهای اول - دوم و سوم) ۱۳۵۷) «آلبرت واترسون» می گوید: «منطقه قلمروی است با مسائل اجتماعی و اقتصادی مشترک که این مسائل بوسیله طبیعت با سایر شرایط القاء شده است.» (آسایش، ۱۳۷۵: ۴۳)

برنامه ریزی منطقه ای: برنامه ریزی منطقه ای فرآیندی است در جهت تنظیم و هماهنگ کردن برنامه های مختلف اقتصادی و اجتماعی، با نیازها و امکانات محلی و

منطقه ای. در این برنامه ریزی چون مشارکت مردم نیز مطرح است. آن را برنامه ریزی از پایین به بالا نیز می گویند. در برنامه ریزی منطقه ای، برنامه ریزان بیشتر به فکر استفاده بهینه از منابع و قابلیت های منطقه و همچنین برطرف نمودن عدم تعادل های منطقه ای هستند و سعی در ترسیم آینده منطقه دارند، زیرا قابلیت منطقه در آینده حکایت از وجود منابع برای توسعه آن مناطق است (آسایش، ۱۳۷۵: ۲۳). برنامه ریزی منطقه ای یا همان مفهوم برنامه ریزی در منطقه، عبارتست از «فرآیند توجیه، تبیین و روشن نمودن آرمان های اجتماعی و ارائه راه حل هایی در جهت سامان دادن به فعالیت ها در فضای فوق شهری. در مجموع می توان گفت برنامه ریزی منطقه ای عبارتست از روند منظم و متشکلی، برای انتخاب بهترین روشها و مدل جهت رسیدن به اهداف رشد و توسعه در مناطق مختلف» (زیاری، ۱۳۸۳: ۱۱)

۲-۲- رویکردها و مبانی نظری:

۲-۲-۱- دیدگاه های توسعه منطقه ای

۲-۲-۱-۱- نظریه قطب رشد:

مفهوم قطب رشد توسط فرانسوا پرو فرانسوی در دهه ۱۹۶۰ مطرح شد. از میان تمام مفاهیمی که برای توسعه فضایی مطرح شده قطب رشد گیرایی و استفاده بیشتری در ادبیات توسعه داشته است.

به اعتقاد پرو قطبهای رشد دارای صنایع یا کارخانه های با عملکرد اساسی و دارای استقرار رشد بسیار قوی هستند. وی رشد صنایع اساسی و پیشرفته را موتور حرکت رشد اقتصاد ملی می داند که در مکانهای معینی بروز می نمایند در نتیجه رشد نامتوازن بوقوع خواهد پیوست و صنایع جدید در نزدیکی زیر ساختها و زیر بناهای مورد نیاز آن مستقر می شوند و نقاط رشد معینی را ایجاد می کنند. این تمرکز مکانی با عقب ماندگی نواحی دیگر همراه خواهد بود و نتیجه آن قطب بندی منطقه ای و گسترش

جدول شماره(۱): شاخص های انتخاب شده جهت سطح بندیی شهرستان های منطقه آذربایجان

۱.	نسبت شهرنشینی
۲.	تعداد گلخانه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۳.	تعداد معدن به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۴.	شاغل معدن به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۵.	میزان سرمایه معدن به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۶.	تعداد کارگاه های صنعتی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۷.	شاغلان کارگاه های صنعتی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۸.	تعداد کارگاه ها عمده فوشی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۹.	تعداد شرکت های تامین نیاز تولید به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۱۰.	اعضای شرکت های تامین نیاز تولید به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۱۱.	اعضای شرکت های تامین نیاز تولید کنندگان به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۱۲.	شاغلان شرکت های تامین نیاز تولید کنندگان به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۱۳.	سرمایه شرکت های تامین نیاز تولید کنندگان به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۱۴.	تعداد شرکت های تامین نیاز مصرف کنندگان به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۱۵.	اعضای شرکت های تامین نیاز مصرف کنندگان به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۱۶.	شاغلان شرکت های تامین نیاز مصرف کنندگان به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۱۷.	میزان سرمایه شرکت ها تامین نیاز مصرف کنندگان به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۱۸.	تعداد واحد های پستی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۱۹.	تعداد تلفن شهری به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۲۰.	تلفن های همگانی راه دور به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۲۱.	تلفن های همگانی روستایی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۲۲.	تعداد شرکت های فعال تجاری به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۲۳.	اعضای شرکت های فعال به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۲۴.	شاغلین شرکت های فعال به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۲۵.	میزان سرمایه شرکت های فعال به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۲۶.	وزن جایجا شده درون استانی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۲۷.	وزن جایجا شده برون استانی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۲۸.	تعداد پایانه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۲۹.	تعداد شرکت های فعال تجاری به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۳۰.	تعداد اعضای شرکت های فعال تجاری به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۳۱.	تعداد شاغلین شرکت های فعال تجاری به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۳۲.	میزان سرمایه شرکت های فعال تجاری به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۳۳.	تعداد سپرده بانک تجارت به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۳۴.	میزان سرمایه بانک تجارت به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۳۵.	تعداد بانک تجارت به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۳۶.	تعداد بانک سپه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۳۷.	تعداد بانک رفاه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۳۸.	تعداد بانک صادرات به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۳۹.	واحد های اراده دهنده بهزیستی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۴۰.	خدمات درمانی ارائه شده به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۴۱.	تعداد موسسات درمانی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۴۲.	تعداد پرتو نگاری به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۴۳.	تعداد مرکز توانبخشی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۴۴.	تعداد پزشک متخصص به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۴۵.	تعداد پیراپزشک به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۴۶.	تعداد سینما به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۴۷.	میزان گنجایش به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۴۸.	تعداد سالن به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۴۹.	گنجایش به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۵۰.	تعداد چاپخانه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۵۱.	تعداد کتابخانه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۵۲.	گنجایش کتاب ها به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر

ناهمگون توسعه از نظر جغرافیایی است. در پی آن آثار نفوذ کننده متعددی تصحیح این عدم توازن را تضمین خواهد کرد. (شکویی، ۱۳۷۴: ۳۱۳)

۲-۲-۱-۲- عدالت منطقه ای دیوید هاروی:

دیوید هاروی در کتاب عدالت اجتماعی و شهر، با بررسی مفهوم عدالت اجتماعی آنرا از دید جغرافیایی مورد کنکاش قرار می دهد و معتقد است که توزیع عادلانه در مقیاس سرزمینی و منطقه ای لزوماً مترداف با توزیع عادلانه در سطوح دیگر یا توزیع عادلانه بین افراد نیست و برای بررسی عدالت منطقه ای فرض می کند که توزیع عادلانه در سطح مناطق، توزیع عادلانه بین افراد را نیز به دنبال خواهد داشت. هاروی ماهیت عدالت اجتماعی را به کمک سه معیار کلی تشریح می کند: نیاز، منفعت عمومی و استحقاق. وی برای تدوین اصول توزیع عادلانه منطقه ای تعیین هر کدام از مفاهیم فوق را ضروری میداند و معتقد است که احتمالاً می توان با ترکیبی از آنها و طرح نظریه ای، تخصیص منابع به مناطق را انجام داد و عدالت منطقه ای را با مقایسه تخصیص فعلی با تخصیص فرضی سنجید. با این روش امکان تشخیص مناطقی که از استانداردهای عدالت اجتماعی بیشترین فاصله را دارند میسر خواهد شد. (هاروی، ۱۳۷۶: ۹۹)

۲-۲-۱-۳- نظریه میسرا در توسعه منطقه ای:

میسرا معتقد است هدف تمام فرایندهای توسعه و بخصوص توسعه منطقه ای، رفاه انسان است. این شق از توسعه، نه تنها افزایش رفاه بر حسب ارقام کلی را هدف می گیرد بلکه توزیع عادلانه تر آن بین نواحی مختلف و گروههای مردم را نیز شامل می شود. نا برابریهای منطقه ای و فردی نشانه های چیزی بسیار ریشه دار تر و اساسی تر هستند و سیاستهای متداول توسعه، شناسایی این مسائل بنیادی را جدی نمی گیرند. به نظر وی اگر توسعه در چارچوب یک سیاست اجتماعی جامع که علت فقر و توسعه نیافتگی را مستقیماً مورد حمله قرار دهد انجام نگیرد دستیابی به یک راه حل دیر

پا برای از میان بردن فقر و نابرابری در مناطق و اجتماعات امکان پذیر نخواهد بود. توسعه منطقه ای سه هدف را دنبال می کند: تولیدی، اجتماعی، زیست شناختی. تلاش توسعه منطقه ای بر آن است که بهترین شرایط و امکانات را برای توسعه جامع همه فراهم آورده تفاوت های کیفیت زندگی بین منطقه ای و درون منطقه ای را به حداقل رساند و نهایتاً از میان بردارد.

میسرا همچنین ساخت اجتماعی موجود جوامع در حال توسعه را باز دارنده توسعه واقعی میداند و معتقد است که منافع حاصل از افزایش سرمایه گذاریها در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی در این نواحی ضرورتاً به آنها که بیشترین نیاز را دارند نمی رسد و این سرمایه گذاریها به عمیقتر شدن شکاف بین فقرا و ثروتمندان منجر می شود و همان هدفی که توسعه به خاطر آن آغاز شده با ناکامی مواجه می شود.

وی با استفاده از اصطلاحات علم زمین شناسی، به تبیین این مسأله می پردازد و آن را با ساخت صخره ای (Rockstructure) مقایسه می کند و معتقد است که سه نوع ساخت صخره ای وجود دارد: متخلخل، نفوذ پذیر و نفوذ ناپذیر و اینها را معادل سه نوع ساخت اجتماعی برابری گرا- نیمه فتودال- فتودال در نظر می گیرد. (مخبر، ۱۳۷۶: ۵۵)

۳- تجزیه و تحلیل داده ها

۳-۱- تحلیل عاملی

گالتون دانشمند اواخر قرن نوزده و آغاز قرن بیستم اولین کسی بود که بنیان های اولیه تحلیل عاملی را بنا نهاد. تحلیل عاملی نام عمومی است برای برخی از روش های آماری چند متغیره که هدف اصلی آن خلاصه کردن اطلاعات زیاد است. در عین حال خلاصه کردن اطلاعات به ترتیبی صورت می گیرد که نتیجه خلاصه شده از نظر مفهوم معنی دار است. البته تحلیل عاملی می تواند کاربرهای مختلفی داشته باشد. اگر در تحلیل عاملی هدف خلاصه کردن تعداد شاخص ها به صورت معنی دار باشد، باید از تحلیل عاملی نوع R استفاده گردد، در صورتی که هدف ترکیب و تلخیص تعدادی از مکان ها

و نواحی جغرافیایی در گروه های همگن در درون یک سرزمین باشد باید از تحلیل عاملی نوع Q استفاده شود. در مطالعات جغرافیایی تحلیل عاملی نوع R بیشتر برای سطح بندی مناطق، شهرها و روستاها به کار برده می شود که در این مقوله به تشریح چگونگی روند تحلیل عاملی نوع R پرداخته می شود (حکمت نیا، ۱۳۸۵: ۲۲۸). آزمون KMO اولین هدف تحلیل عاملی را برآورده می کند. مقدار آماره این آزمون بین صفر و ۱ نوسان دارد. به طوری که می توان سه طیف برای این نوسان تعریف کرد و در هر مورد، تصمیم به انجام یا عدم انجام تحلیل عاملی گرفت:

مقادیر ۰/۴۹ و پایین تر: در این صورت، انجام تحلیل عاملی پیشنهاد نمی شود. می توان با انجام اصلاحات کلیدی، تناسب داده ها برای انجام تحلیل عاملی را بیش تر کرد و مقدار KMO را به بالاتر از ۰/۷ افزایش داد.

مقادیر ۰/۵۰ تا ۰/۶۹: در این صورت، انجام تحلیل عاملی در صورت اصلاحات داده ها پیشنهاد می شود. یعنی می توان با انجام اصلاحاتی، تناسب داده ها برای انجام تحلیل عاملی را بیش تر کرد و مقدار KMO را به بالاتر از ۰/۷ افزایش داد.

مقادیر ۰/۷ و بالاتر: در این صورت، انجام تحلیل عاملی پیشنهاد می شود. حتی با وجود این مقدار هم، بهتر است که در صورت امکان با انجام اصلاحاتی، تناسب داده ها برای انجام تحلیل عاملی بیشتر شود و مقدار KMO به بالاتر افزایش یابد.

نتیجه آزمون KMO معادل (۰/۷) بوده که برآزش داده ها را نشان می دهد و حکایت از آن دارد که امکان انجام تحلیل عاملی بر روی داده های تحقیق وجود دارد.

جدول (۲): نتایج آزمون های KMO و بارتلت

P	Df	مقدار	
-	-	۰/۷	KMO
۰	۱۹۵۳	۸۴۱۱/۵۶۷	بارتلت

سطح بندی بر اساس تحلیل خوشه ای با استفاده از عاملی اصلی

در این مرحله ابتدا با استفاده از امتیاز عامل اصلی شهرستان ها رتبه بندی گردید. همچنان که در جدول و نمودار شماره (۳) مشاهده می شود اولاً اختلاف فاحشی بین شهرستان ها وجود دارد، دوم اینکه اکثر شهرستان هایی که در آنها شهر های بزرگ قرار دارند از شرایط بهتر برخوردار هستند و از توسعه یافتگی نسبتاً بهتری برخوردار هستند. در واقع می توان گفت که تجمع جمعیت در نقاط خاص باعث توسعه یافتگی در دراز مدت می شود.

جدول شماره (۳) رتبه بندی شهرستان های منطقه آذربایجان با استفاده از عامل اصلی

رتبه	امتیاز	شهر
۱	۲/۷۷۴۵۴	ارومیه
۲	۲/۴۰۳۷۸	تبریز
۳	۲/۳۰۹۰۹	اردبیل
۴	۱/۴۲۳۳۴	سلماس
۵	۱/۱۵۷۲۶	خوی
۶	۰/۷۸۳۶۸	مهاباد
۷	۰/۷۱۸۳	مراغه
۸	۰/۶۴۳۳۳	آذرشهر
۹	۰/۵۶۴۴۸	پارس آباد
۱۰	۰/۴۲۹۱۲	مشگین شهر
۱۱	۰/۳۸۸۲۷	نقده
۱۲	۰/۳۵۳۲۸	میاندو آب
۱۳	۰/۳۱۳۲۳	بوکان
۱۴	۰/۲۵۷	خلخال
۱۵	۰/۲۲۹۳۹	شبستر
۱۶	۰/۱۴۰۳۹	بناب
۱۷	۰/۱۲۵۱۹	اسکو
۱۸	۰/۰۶۲۳۸	شاهیندژ
۱۹	۰/۰۱۸۳۷	مرند
۲۰	-۰/۱۰۶۷۳	چالدران
۲۱	-۰/۱۱۱۴۷	اشنویه
۲۲	-۰/۱۵۱۴۶	سراب
۲۳	-۰/۲۰۳۲۴	نمین
۲۴	-۰/۲۴۴۵۴	مغان
۲۵	-۰/۲۵۵۷۷	بيله سوار
۲۶	-۰/۲۵۷۲۲	ملکان
۲۷	-۰/۳۱۴۱۸	ماکو
۲۸	-۰/۳۶۶۳۶	تکاب
۲۹	-۰/۴۰۶۶۵	پیرانشهر
۳۰	-۰/۴۴۷۶۱	اهر
۳۱	-۰/۴۵۰۶۴	عجبشیر
۳۲	-۰/۴۷۸۴۳	بستان آباد
۳۳	-۰/۴۸۳۰۲	سردشت
۳۴	-۰/۵۲۹۲۲	میانه
۳۵	-۰/۶۶۵۰۲	نیر
۳۶	-۰/۷۵۳۰۱	جلفا

هریس	-۱/۰۴۴۲۸	۳۷
هشترود	-۱/۴۲۴۰۹	۳۸
ورزقان	-۱/۴۵۳۱۹	۳۹
کوثر	-۱/۵۷۳۶۷	۴۰
چارایماق	-۱/۶۰۲۰۲	۴۱
کلیبر	-۱/۷۷۲۵۳	۴۲

خوشه بندی شهرستانهای منطقه با استفاده از تحلیل خوشه ای

در مرحله بعد شهرها در جدول (۴) آورده شده است و همچنان که مشاهده می شود شهرستان های تبریز، ارومیه و اردبیل در خوشه توسعه یافته قرار دارند. در این شهرستان ها، مراکز سه استان منطقه قرار دارد و در توسعه یافتگی شان شاخص های انتخاب شده موثر بوده است.

جدول شماره (۴) خوشه بندی شهرستانها با استفاده از تحلیل خوشه ای

توسعه یافته	تبریز- ارومیه- اردبیل
متوسط به بالا	بناب- مراغه- بوکان- خوی- سلماس- مهاباد- میاندوآب- نقه- پارس آباد - خلخال- مشگین شهر
متوسط	آذرشهر- اسکو- اهر- بستان آباد- جلفا- سراب- شبستر- عجبشیر- مرند- ملکان- میانه- هشترود-
پایین	اشنویه- پیرانشهر- تکاب- چالدران- سردشت- شاهیندژ- ماکو- بیله سوار- مغان
توسعه نیافته	چارایماق- کلیبر- ورزقان- هریس- کوثر

منبع: محاسبات نگارنده

خوشه بندی و رتبه بندی بر اساس مجموع عامل ها

بعد از تحلیل خوشه ای و سطح بندی شهرستان های منطقه آذربایجان، شهرستان های منطقه را یک بار دیگر بر اساس مجموع عامل ها سطح بندی می کنیم، چنان که در جدول شماره (۵) مشاهده می شود، شهرستان آذرشهر با اختلاف فاحش در رتبه اول قرار دارد و شهرستان های شبستر، جلفا، تبریز و... در رتبه های بعدی قرار دارند و پایین جدول شهرستان های سردشت، چارایماق و ورزقان قرار گرفته اند.

چنانکه در جدول شماره (۶) مشاهده می شود، شهرستان ها بر اساس مجموع عامل ها خوشه بندی شده اند. در خوشه های ۱ تا ۴ به ترتیب، ۶، ۲۳، ۸ و ۵ شهرستان قرار گرفته اند. در واقع بیش نیمی از شهرستان های منطقه آذربایجان نسبت به سایر شهرستان های منطقه توسعه نیافته هستند.

جدول (۵): سطح بندی شهرستانها بر اساس مجموع عامل ها

رتبه	امتیاز	شهر
۱	۷/۵۲	آذرشهر
۲	۵/۶۸	شیراز
۳	۳/۸۲	جلفا
۴	۳/۳۶	تبریز
۵	۲/۵۳	اردبیل
۶	۲/۴۱	ارومیه
۷	۲/۰۸	اشنویه
۸	۲	نیر
۹	۱/۷۲	اسکو
۱۰	۱/۰۸	چالدران
۱۱	۰/۷۸	بيله سوار
۱۲	۰/۵۱	خلخال
۱۳	۰/۴۱	بستان اباد
۱۴	۰/۱۶	مرند
۱۵	۰/۰۹	بناب
۱۶	-۰/۰۱	شاهیندژ
۱۷	-۰/۱۱	پارس آباد
۱۸	-۰/۱۹	خوی
۱۹	-۰/۲۴	پیرانشهر
۲۰	-۰/۲۶	مراغه
۲۱	-۰/۲۷	ماکو
۲۲	-۰/۵۴	سلماس
۲۳	-۰/۶۲	سراب
۲۴	-۰/۷۶	نقده
۲۵	-۱/۰۳	کوثر
۲۶	-۱/۰۴	میانه
۲۷	-۱/۱۶	ملکان
۲۸	-۱/۱۷	مشگین شهر
۲۹	-۱/۲۲	کلبر
۳۰	-۱/۲۹	اهر
۳۱	-۱/۳۵	نکاب
۳۲	-۱/۴۴	میاندوآب
۳۳	-۱/۴۵	مغان
۳۴	-۱/۵۴	هریس
۳۵	-۱/۶	هشترود
۳۶	-۱/۶۲	مهاباد
۳۷	-۱/۷۶	نمین
۳۸	-۱/۸۷	بوکان
۳۹	-۲/۱۷	عجبشیر
۴۰	-۲/۶۳	سردشت
۴۱	-۳/۳۷	ورزقان
۴۲	-۳/۴۴	چاراویماق

منبع: محاسبات نگارنده

جدول (۶): خوشه بندی بر اساس مجموع عامل ها

توسعه یافته	اسکو - تبریز - جلفا - شبستر - اردبیل - آذرشهر
متوسط به بالا	ارومیه - اشنویه - پیرانشهر - چالدران - خوی - سلماس - شاهیندژ - ماکو
متوسط به پایین	بهستان آباد - بناب - مراغه - هشتروند - نقده
توسعه نیافته	اهر - چاراویماق - سراب - عجبشیر - کلیبر - مرند - ملکان - میانه - ورزقان - هریس - بوکان - تکاب - سردشت - مهاباد - میاندوآب - بیله سوار - پارس آباد - خلخال - کوثر - مشکین شهر - مغان - نمین - نیر

منبع: محاسبات نگارنده

- امتیاز استاندارد

بعد از سطح بندی شهرها با استفاده از تحلیل عاملی، از امتیاز استاندارد استفاده شده است، با توجه به نتایج و طبق جدول (۷) شهرستان ارومیه، آذرشهر، شبستر، تبریز، اشنویه و... در رتبه های اول قرار دارند و شهرهای عجبشیر، نمین، چاراویماق، ورزقان در پایین جدول قرار دارد.

بعد از رتبه بندی با استفاده از امتیاز استاندارد، با استفاده از نتایج همین تکنیک شهرستان های منطقه را سطح بندی گردید که در خوشه ۱ تا ۴ به ترتیب، ۷، ۱۷، ۷ و ۱۱ شهرستان قرار دارند.

همچنانکه که در جدول شماره (۸) مشاهده می شود شهرستان های آذرشهر، تبریز، جلفا، شبستر و... توسعه یافته هستند و شهرهای چاراویماق، عجبشیر،... در پایین جدول به عنوان شهر های توسعه نیافته بر اساس تحلیل خوشه ای امتیاز استاندارد قرار دارند.

جدول بعدی نتایج مربوط به آزمون های برابری میانگین گروهها در مورد تمامی متغیرهای مستقل را نشان می دهد:

جدول (۷): سطح بندی شهرستان ها با استفاده از امتیاز استاندارد

شهرستان	امتیاز	رتبه
ارومیه	۲/۱۷۷۹۷	۱
آذرشهر	۱/۹۲۷۷۶	۲
شبستر	۱/۸۵۸۴۲	۳
تبریز	۱/۶۸۸۸۶	۴
اشنویه	۱/۳۲۸۵۶	۵
مراغه	۱/۳۰۸۷۸	۶
جلفا	۱/۲۷۹۷۳	۷
اردبیل	۰/۹۷۰۴۳	۸
بستان آباد	۰/۸۳۲۸۴	۹
اسکو	۰/۸۰۹۵	۱۰
بناب	۰/۸۰۸۱۹	۱۱
اهر	۰/۴۳۶۷۱	۱۲
نقده	۰/۴۲۰۱۹	۱۳
خوی	۰/۴۱۳۴۶	۱۴
کلبر	۰/۲۷۷۱۱	۱۵
سلماس	۰/۲۵۶۱۳	۱۶
چالدران	۰/۲۰۴۸۵	۱۷
بيله سوار	۰/۱۱۸۱۵	۱۸
هشترود	۰/۰۰۰۵	۱۹
مرند	-۰/۰۸۳۹۶	۲۰
نیر	-۰/۱۲۴۱۷	۲۱
پیرانشهر	-۰/۲۷۱۱۵	۲۲
مشگین شهر	-۰/۴۲۶۸	۲۳
ماکو	-۰/۴۲۹۸۲	۲۴
میاندوآب	-۰/۴۳۲۸۸	۲۵
سراب	-۰/۴۳۳۸۶	۲۶
مهاباد	-۰/۴۶۱۷۷	۲۷
خلخال	-۰/۵۰۷۸۶	۲۸
هریس	-۰/۵۴۴۴۹	۲۹
پارس آباد	-۰/۵۶۷۱۷	۳۰
میانه	-۰/۵۷۶۶۲	۳۱
مغان	-۰/۶۸۹۹۴	۳۲
کوثر	-۰/۷۰۵۱	۳۳
شاهیندژ	-۰/۸۰۵۰۸	۳۴
ملکان	-۰/۸۵۱۳۸	۳۵
سردشت	-۰/۹۵۳۸۶	۳۶
بوکان	-۱/۰۰۳۷۲	۳۷
تکاب	-۱/۱۰۱۶۲	۳۸
عجبشیر	-۱/۲۴۴۴۷	۳۹
نمین	-۱/۳۷۱۷۸	۴۰
چاراویماق	-۱/۶۲۸۲	۴۱
ورزقان	-۱/۹۰۲۴۵	۴۲

منبع: محاسبات نگارنده

جدول (۸): تحلیل خوشه ای بر اساس امتیاز استاندارد

توسعه یافته	آذرشهر- تبریز- جلفا- شبستر- مراغه- ارومیه- اشنویه
متوسط به بالا	اسکو- اهر- بستان آباد- بناب- کلیبر- چالدران- خوی- سلماس- نقده- اردبیل- بیله سوار
متوسط	به سراب- مرند- ملکان- میانه- هریس- هشترود- پیرانشهر- شاهیندژ- ماکو- مهاباد-
پایین	میاندوآب- پارس آباد- خالخال کوثر- مشگین شهر- مغان- نیر
توسعه نیافته	چارایماق- عجبشیر- ورزقان- بوکان- سردشت- نمین

منبع: محاسبات نگارنده

اولین آماره مهم در این جدول، لاندای ویلکز است که عبارت است از نسبت مجموع مجذورات کل. در واقع، لاندای ویلکز نسبتی از واریانس کل نمرات تشخیصی است که توسط تفاوت بین گروهها تبیین نشده است. بنابراین هرچه مقدار لاندای ویلکز کم تر باشد، بهتر و قدرت تبیین گری مدل بیشتر است. مقدار این آماره بین صفر تا یک نوسان دارد. مقادیر نزدیک به صفر نشان دهنده تفاوت میانگین های دو گروه می باشد و برعکس، مقادیر نزدیک به ۱ دلالت بر برابری این میانگین ها دارد. همچنین اگر مقدار آماره با عدد ۱ برابر شود، نشان می دهد که میانگین های دو گروه تقریباً برابر است و تفاوتی باهم ندارند. نتایج جدول نشان میدهد که مقدار لاندای برای ۳ متغیر به ترتیب ۰/۳۶۷، ۰/۶۶۷، ۰/۱۴۴ می باشد، دوتا از متغیرها به صفر خیلی نزدیک هستند و متغیر دیگر هرچند از صفر فاصله دارد ولی با توجه به معناداری متغیرها با خطای کمتر از ۰/۱۰ درصد می توانیم بگوییم که تفاوت میانگین گروهها معنادار است. ستون بعدی نتایج مربوط به مقدار F را نشان می دهد که عبارت است از نسبت تغییر پذیری بین گروهها به تغییرپذیری درون گروهها. همچنین مقدار F برای لاندای ویلکز، نشان می دهد که نقش کدام متغیرها معنی دار است.

رابطه مقدار F با مقدار لاندای ویلکز معکوس است. یعنی هر چه مقدار لاندای کمتر باشد، مقدار F آن بیشتر است. نتایج جدول نشان می دهد که سه متغیر عامل اصلی، مجموع عاملها و امتیاز استاندارد در بین چهار خوشه با خطای کمتر از ۰/۱۰ درصد معنی دار می باشد.

جدول (۹): آزمون معناداری گروه ها Tests of Equality of Group Means

مدل ها	Wilks' Lambda	F	df1	df2	Sig.
مجموع عاملها	۰/۳۶۷	۲۱/۸۷۷	۳	۳۸	۰
عامل اصلی	۰/۶۶۷	۶/۳۲۴	۳	۳۸	۰/۰۰۱
امتیاز استاندارد	۰/۱۴۴	۷۵/۴۲۵	۳	۳۸	۰

منبع: محاسبات نگارنده

در نهایت خوشه بندی نهایی که تحلیل تشخیصی بین سه متغیر عامل اصلی، مجموع عامل ها و امتیاز استاندارد، کاملاً معنی دار می باشد به طبق جدول زیر می باشد:

جدول (۱۰): خوشه نهایی

توسعه یافته	ارومیه- اشنویه- آذرشهر- تبریز- جلفا- شبستر- مراغه
متوسط به بالا	اردبیل- اسکو- بستان آباد- بناب- خوی- سلماس- نقده
متوسط به پایین	کلپیر- پیرانشهر- هریس- نیر- میانه- میاندوآب- مهاباد- ملکان- مغان- مشکین شهر- مرند- ماکو- کوثر- سراب- خلخال- چالدران- پارس آباد- بیله سوار- اهر
توسعه نیافته	بوکان- تکاب- چارایماق- سردشت- شاهیندژ- عجبشیر- نمین- ورزقان- هشترود

منبع: محاسبات نگارنده

۴- آزمون فرضیات و نتیجه گیری

آزمون فرضیه اول

به نظر می رسد که منطقه شمال غرب کشور با عدم تعادل از نظر شاخص های توسعه یافتگی مواجه است.

همانطور که در بالا تفصیل رفت، با استفاده از تحلیل عاملی و تحلیل خوشه ای سطح توسعه یافتگی شهرستان ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت است، با استفاده از تحلیل تشخیصی نتایج بین تفاوت خوشه ها در سطح ۰/۱۰ معنادار می باشد (جدول شماره ۱۱). در نتیجه فرضیه صفر تحقیق رد می شود و فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه تفاوت معناداری بین سطح توسعه یافتگی شهرستان ها وجود دارد تأیید می شود.

آزمون فرضیه دوم

به نظر می رسد که میان جمعیت شهرنشین و توسعه یافتگی ارتباط وجود دارد و هر کدام از شهرستانها که جمعیت شهرنشین بیشتری دارند توسعه یافته ترند. ضریب همبستگی پیرسون از روشهای پر کاربرد جهت تعیین میزان رابطه بین دو متغیر محسوب می شود. این ضریب به منظور بررسی رابطه بین دو متغیر فاصله ای یا نسبی مورد استفاده قرار می گیرد و مقدار آن همواره بین +۱ و -۱ در نوسان است. چنانچه مقدار بدست آمده مثبت باشد به معنای این است که تغییرات در هر دو متغیر بطور هم جهت اتفاق می افتد. به عبارت دیگر با هرگونه افزایش در مقدار یک متغیر دیگر نیز افزایش می یابد و برعکس. اما چنانچه مقدار I منفی باشد بیانگر این نکته است که دو متغیر در جهت عکس همدیگر حرکت می کند. یعنی با افزایش مقدار یک متغیر، مقادیر متغیر دیگر کاهش می یابد و برعکس. اگر مقدار بدست آمده برای ضریب همبستگی صفر باشد به معنای این است که هیچ گونه رابطه ای بین دو متغیر وجود ندارد.

به منظور پاسخگویی به فرضیه پژوهش مبنی بر رابطه متغیر میزان شهرنشینی شهرستان ها با متغیر توسعه یافتگی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. همان طور که در جدول (۱۱) مشاهده می شود، سطح معناداری برابر ۰/۵۸۷ است، بنابراین می توانیم نتیجه بگیریم که: $0/587 < 0/01$ در نتیجه فرض صفر تایید می شود. جدول (۱۱): تحلیل همبستگی پیرسون بین متغیرهای جمعیت و عملکرد شهرها

عملکرد	جمعیت	-	متغیرها
۰/۰۸۷۰	۱	همبستگی پیرسون	میزان شهر نشینی
۰/۵۸۵		سطح معناداری	
۱۱۵	۴۲	تعداد	
۱	۰/۰۸۷	همبستگی پیرسون	توسعه یافتگی شهرستان ها
-	۰/۵۸۵	سطح معناداری	
۴۲	۴۲	تعداد	

نتیجه گیری

نخستین قدم در برنامه ریزی منطقه ای شناسایی وضع موجود آن مناطق است؛ این شناسایی خود مستلزم تجزیه و تحلیل بخشهای مختلف اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است. برای تخصیص اعتبارات و منابع میان مناطق مختلف، شناسایی جایگاه منطقه در بخشهای مربوط، و رتبه بندی سطوح بهره مندی از مواهب توسعه، ضروری است. وجود نابرابری و تفاوت های اساسی در برخورداری از شاخص های انتخاب شده میان شهرستان های استان به وضوح قابل تشخیص است. برابر نتایج حاصل از بررسی انجام شده، ۱۶ درصد از شهرستان های منطقه آذربایجان توسعه یافته هستند، همچنین به همین درصد نیز توسعه متوسط به بالا دارند، پس می توان گفت حدود ۳۲ درصد شهرستان میزان برخورداری بهتری دارند، ۴۵ درصد شهرستان های منطقه درجه توسعه یافتگی متوسط به پایین دارند، ۲۱/۵ درصد نیز توسعه نیافته هستند، در مجموع هم می توان گفت ۶۷ درصد شهرستان های منطقه آذربایجان وضعیت چندان مناسبی ندارند، این نتایج نشان می دهد که شکاف بزرگی بین شهرستان های منطقه وجود دارد. آنچه در مورد شهرستان های توسعه نیافته می توان ذکر کرد این است که در اکثر این شهرستان ها شهرهای بزرگ و توسعه یافته منطقه آذربایجان مشاهده نمی شود، فاصله این شهرستان ها با شهر تبریز زیاد است، همچنین پتانسیل بالفعل بخش کشاورزی این شهرها ضعیف است و بیشتر به صورت دیم می باشد. بیشتر این شهرستان ها از محور توسعه یافته شرق دریاچه ارومیه فاصله دارند، محور توسعه یافته منطقه یعنی میاندوآب- تبریز - مرند تاثیر زیادی در توسعه یافتگی شهرستان های همجوار دارد.

منابع

۱. آسایش، حسین (۱۳۷۵)، اصول و روش های برنامه ریزی ناحیه ای، انتشارات دانشگاه پیام نور
۲. آقا یاری هیر، محسن (۱۳۸۲). سطح بندی پایداری توسعه روستاهای بخش هیر با استفاده از GIS، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، گروه جغرافیا.
۳. ایزارد، والتر (۱۳۵۷)، روشهای تحلیل منطقه ای، مترجم داریوش کاظم زاده صمیمی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، (جلدهای اول - دوم و سوم).
۴. تقوایی، مسعود و دیگران (۱۳۸۵)، بررسی شاخص های توسعه در مناطق روستایی استانهای کشور با استفاده از روش اسکالوگرام، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال چهاردهم، شماره ۵۶.
۵. توسلیان، رحیم (۱۳۷۹) کارکرد شهر قیدار در توسعه منطقه ای، پایان نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه شهید بهشتی، گروه جغرافیا.
۶. جوکار، علی (۱۳۸۶). نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقه ای (نمونه موردی شهر فیروزآباد استان فارس)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، گروه جغرافیا.
۷. حکمت نیا، حسن و میر نجف موسوی (۱۳۸۵)، کاربرد مدل در جغرافیا با تاکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای؛ یزد: علم نوین.
۸. حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۸۰). برنامه ریزی ناحیه ای؛ سمت، تهران
۹. زالی، نادر؛ (۱۳۷۹). سطح بندی توسعه منطقه ای (نمونه موردی استان آذربایجان شرقی)، پایان نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه شیراز: شهرسازی،
۱۰. زیاری، کرامت ا...، (۱۳۸۳) مکتب ها، نظریه ها و مدل های برنامه و برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات دانشگاه یزد

۱۱. سازمان برنامه و بودجه، (۱۳۷۳). تحلیل منطقه ای و سطوح بندی سکونتگاهها، دفتر برنامه ریزی منطقه‌ای،
۱۲. سرمد، زهره و دیگران(۱۳۸۲). روشهای تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات آگه تهران.
۱۳. شکوئی، حسین(۱۳۷۴). دیدگاههای نو در جغرافیای شهری، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران
۱۴. فلاح نژاد، قدرت ا.. (۱۳۷۵)، نظم پذیری سلسله مراتب سکونتگاهی در راستای توسعه ناحیه ای در شهرستان خرم آباد(موردی بخش پاپی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، گروه جغرافیا.
۱۵. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵.
۱۶. هاروی، دیوید(۱۳۷۶). عدالت اجتماعی و شهر، فرخ حسامیان، تهران، انتشارات پردازش

17- Kalantari , Khalil(1998).Identification of backward region in Iran ,Geographic research magazine,32.